

## سیر تاریخی به وضعیت حقوقی زنان در اسلام

امین‌الله امینی\*

چکیده

تحول عظیمی که پس از ظهور اسلام در مسائل اجتماعی، از جمله مسئله زن و خانواده، ایجاد شد، از پدیده‌ترین مباحث اسلامی است. با توجه به این که این موضوع همواره معرکه آرا و محور نظریه‌هایی بوده و پرسش‌های بسیاری را به خود معطوف کرده است، مطالعه تاریخی آن به بسیاری از روشنگری‌ها در این باره کمک خواهد کرد. در این نوشتار، در صدد بیان تغییراتی هستیم که اسلام در موضوع زن پدید آورده است. این مقاله با روش تاریخی به وضعیت و جایگاه زن در خانواده، اجتماع و سیاست در عصر نبوی پرداخته و تحول بزرگی را که با ظهور اسلام در زمینه جایگاه فرهنگی و اجتماعی زن رخ داد، نشان داده است.

کلیدواژه‌ها: زن، خانواده، اجتماع، سیاست، اسلام.

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

### ۱. مقدمه

موضوع زن همواره مورد توجه پژوهش‌گران و اندیشمندان بوده و به ویژه پس از شکل‌گیری نهضت فمینیسم در قرن نوزدهم در غرب که منشأ پیدایش برخی افکار و اندیشه‌های افراطی درباره حقوق زنان شد، این موضوع اهمیت دو چندان پیدا کرده است. فمینیسم که در افق فکری اومانیسم ظهور یافت، به بهانه دفاع از حقوق زنان، ضربه‌های سنگینی به ارزش و هویت زنان وارد آورد و

\* پژوهشگر و استاد دانشگاه.

پس از آن‌که در اعلامیه حقوق بشر تأثیر گذاشت، برای اجرایی کردن ایده‌های خود، معاهده‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر کنوانسیون «حقوق سیاسی زنان»، «کنوانسیون رضایت برای ازدواج» و ... ایجاد کرد تا آن‌جا که سازمان ملل سال ۱۹۷۶-۱۹۸۵م را دهه زنان نام‌گذاری کرد. جنبش زنان پیامدهای گوناگون فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در پی داشته که یکی از مهم‌ترین آن‌ها به چالش کشیده شدن اندیشه‌های دینی درباره جایگاه، حقوق و تکالیف زنان است. در این میان، دیدگاه اسلام درباره زنان نیز مورد پرسش و حمله قرار گرفته تا آن‌جا که احکام اسلامی مربوط به زنان، مخالف حقوق بشر و ناقض تساوی حقوق زن و مرد تلقی شده و اسلام را دین مردان و تأمین‌کننده مصالح و منافع مردان دانسته‌اند؛ از این رو، اندیشمندان بزرگ اسلامی با تکیه بر منابع اصیل اسلامی، به‌ویژه قرآن و روایات، به تبیین دیدگاه اسلام درباره جایگاه و حقوق زن پرداخته و با توجه به اختلاف نظرهای جدی که ناشی از انفعال یا ایستادگی در برابر جنبش زنان بوده، پاسخ‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. در این میان، به سهم پژوهش‌های تاریخی در تبیین جایگاه زن در اسلام کم‌تر توجه شده؛ در حالی که تاریخ گواه روشنی بر تلاش‌های اسلام در دفاع از حقوق زنان و هویت‌بخشی به آن‌ها و تأمین مصالح زنان بر اساس حکمت و عقل و نه احساس و شعار بوده است تا آن‌جا که باید اسلام را به حق طلایه‌دار دفاع از حقوق زن دانست. مقایسه وضعیت زن پیش از اسلام و سیر تحولاتی که پس از اسلام در موضوع زن ایجاد شد، یکی از درخشان‌ترین صفحات کارنامه اسلام را شکل می‌دهد. در نوشتار پیش رو، وضعیت زن را در محورهای یادشده در تاریخ اسلام بررسی می‌کنیم.

## ۱. وضعیت اجتماعی زن در صدر اسلام

حضور زنان در اجتماع و مشارکت ایشان در فعالیت‌های اجتماعی در صدر اسلام از مسلمات تاریخی است که با مروری گذرا بر منابع تاریخی به سهولت می‌توان به آن دست یافت. از دیدگاه اسلام، اصل فعالیت اجتماعی برای زنان نه تنها مذموم نیست؛ بلکه در برخی مواقع، ممدوح و مطلوب است (۱). مطالعه دقیق آیاتی چون آیات امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، هجرت و وجوب زکات، موافقت قرآن با حضور اجتماعی زن را نتیجه می‌دهد. از طرفی، از آیاتی که چگونگی و شرایط حضور اجتماعی زن را مطرح می‌کند، به خوبی جواز اصل این حضور فهمیده می‌شود؛ بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع حضور اجتماعی زن مسلمان و وجود دیدگاه‌های متفاوت در این باره، این بحث در دو محور «جواز حضور زن در اجتماع» و «اصول و ضوابط حاکم بر حضور اجتماعی زن» پی گرفته می‌شود.

## ۲-۱. جواز حضور زن در اجتماع

با دامنه‌دار شدن مباحث و مطالعات اسلامی جدید و فراهم شدن عرصه فعالیت‌های اجتماعی زنان در محیطی سالم در جامعه ما، جواز حضور زن در اجتماع امری مسلم و تردیدناپذیر به حساب می‌آید. اما با توجه به آثار و اندیشه‌ی علما و متفکران اسلامی درمی‌یابیم که این امر در طول تاریخ، به شفافیت و وضوح امروزی نبوده است. وجود اندیشه‌های سخت‌گیرانه در برخورد با زن و تعاملات اجتماعی او از همان صدر اسلام گزارش شده است. سفارش پیامبر اکرم (ص) به مردان در مورد اجازه‌دادن به همسران خود برای حضور در مسجد و نماز جماعت می‌تواند حاکی از وجود سخت‌گیری‌هایی در رفتار مردان نسبت به حضور زنان در اجتماع باشد (۲). پیامبر اکرم (ص) در پاسخ اعتراض خلیفه دوم به یکی از همسران ایشان به سبب خروج از منزل، خروج زنان را برای برآوردن حواجی خود اجازه دادند (۳). بعدها نیز به‌رغم تأکید مکرر پیامبر اکرم (ص) برخی مانع خروج زنان برای حضور در مسجد می‌شدند (۴). شاید وجود گزارش‌هایی از سیره اهل بیت و گفتار ایشان در سفارش به حسن دوری زن مؤمن از مردان، بتواند دست‌مایه برخی برای شبهه‌افکنی به حضور اجتماعی زنان در اسلام شود که تبیین دقیق این رفتارها و گفتارها می‌تواند زمینه هرگونه کج‌فهمی را از بین ببرد.

## ۲-۲. اصول و ضوابط حاکم بر حضور اجتماعی زن

بی‌شک، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که اسلام حضور زن را در اجتماع بدون قید و شرط تأیید کرده است. در بیان اصول و ضوابط حاکم بر این حضور اجتماعی می‌توان دو اصل کلی را مطرح کرد: «حفظ منافع خانواده» و «حفظ آرامش روانی و روحی جامعه»

### ۲-۲-۱. حفظ منافع خانواده

خانواده بهترین محل پیوند زن و مرد است. این نهاد بیش‌ترین زمینه را برای کمال آن دو و بهترین محیط را برای شکل‌گیری شخصیت فرزند فراهم می‌سازد. با نگاهی به استعدادها و توانایی‌های خاص زن، به خوبی درمی‌یابیم که خانواده، مناسب‌ترین محل برای بروز استعدادها و توانمندی‌های او است. جایگاه رفیع خانواده در نگرش اسلامی موجب شده است که بهترین بنیان اجتماعی قلمداد شده و به منافع آن در قیاس با نهادهای دیگر، به‌طور ویژه توجه شود؛ بنابراین، در تنظیم روابط اجتماعی و ارائه الگوی حضور و مشارکت اجتماعی زنان باید آثار این فعالیت‌ها در تحکیم و تضعیف پیوندهای خانوادگی لحاظ شود. اسلام در تبیین وظایف زن و مرد با اصل قرار دادن کانون خانواده، به دیگر وظایف اجتماعی جهت و معنای مشخصی بخشیده است (۵). از آنچه گفتیم، به دست می‌آید که اسلام

جایی حضور زنان را تجویز می‌کند که لطمه‌ای به مأموریت‌های وی در خانواده وارد نسازد. روایات متعددی در تبیین کارکردهای زن در خانواده و بیان اجر و پاداش تلاش زن در این نهاد مقدس از بزرگان دین نقل شده است که بیانگر این حقیقت است. برای نمونه: می‌توان به روایت معروف اسما بنت یزید انصاریه اشاره کرد. زنان عصر نبوی با تصور کم‌ارزشی تلاش‌شان در خانه در مقابل حضور اجتماعی مردان و ادای واجباتی چون جهاد، جمعه و جماعات و حج، با ذهنی پرسؤال نماینده‌ای به سوی پیامبر اکرم (ص) فرستادند. اسما (نماینده زنان) نیز شبهه کم‌بودن سهم زنان از حضور اجتماعی را با بیانی رسا که تحسین پیامبر اکرم (ص) را برانگیخت، مطرح کرد. حضرت نیز در پاسخ، ارزش و پاداش مأموریت‌های زن را در خانه، معادل ارزش و پاداش آن واجبات قرار داد و زنان را به حفظ خانواده تشویق کرد (۶).

## ۲-۲-۲. حفظ آرامش روحی و روانی جامعه

خداوند از روی حکمت خویش برای استواری نظام آفرینش و بقای نسل انسان، لطافت‌ها و جاذبه‌هایی خاص در وجود زن نهاده و جایگاه ظهور این جاذبه‌ها و زیبایی‌ها را عرصه خانواده و در روابط خصوصی همسران قرار داده است، نه گستره اجتماع و روابط عمومی با نامحرمان (۷). یکی از اصول حاکم بر حضور زن در اجتماع، حفظ آرامش روانی جامعه و عدم ظهور و بروز جاذبه‌های جنسی در روابط با دیگران است. اسلام برای رسیدن به این مهم، به تبیین حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه پرداخت. رعایت احکام حقوقی و اخلاقی در این رابطه از سوی زن مسلمان، زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای سالم در جهت حضور فعال‌تر و مؤثرتر او در جامعه می‌شود. این احکام حقوقی و اخلاقی در سه محور (حد نگاه، حد پوشش و حد معاشرت و اختلاط) بیان می‌شود.

## ۳. وضعیت سیاسی زن در عصر نبوی

مشارکت سیاسی زنان در اسلام از دیرباز مورد بحث اندیشمندان اسلامی بوده و دیدگاه‌های متفاوتی نیز در این مقوله ارائه شده است. در یک نگاه کلی، گرایش‌های متفاوت در این زمینه را می‌توان در سه رأی خلاصه کرد: منع مطلق، جواز مطلق و عدم جواز در تصدی حاکمیت و جواز شرکت در عرصه‌های دیگر. هر گرایش برای خود دلایلی ارائه کرده که در جای خود بررسی شده است (۸). از آن‌جا که از اصلی‌ترین ادله هر سه گرایش شواهد تاریخی عصر نبوی است، مطالعه و بررسی مشارکت سیاسی زن در عصر نبوی مناسب و ضروری به نظر می‌رسد.

با مرور اجمالی تاریخ عصر نبوی شاهد تحولات بزرگ و کوچکی هستیم که زمینه‌ساز جابه‌جایی

قدرت و حاکمیت در جامعه است. بی‌شک، نمی‌توان نقش زنان را در این تحولات نادیده گرفت. گرچه به اقتضای ویژگی‌های روحی و دغدغه‌های درونی و شرایط جسمی، مردان در این عرصه حضور پررنگ و همه‌جانبه دارند و حضور فعال زنان بیش‌تر در خانه و خانواده است؛ ولی زنان در عصر اسلامی از اوضاع سیاسی اطراف خود غافل نبوده و در حد خود حضور فعال و نقش مؤثری داشتند. بر پایه همین حضور پررنگ مردان در عرصه‌های سیاسی، سهم بیش‌تر اخبار تاریخی به عملکرد آنان اختصاص دارد. البته با مطالعه و بررسی اخبار پراکنده و کم‌شمار حضور زنان در عرصه سیاست می‌توان تصویری از این مشارکت ارائه داد. در این قسمت، مشارکت زن در چهار محور بیعت، هجرت، جنگ و امان‌دادن تبیین می‌شود.

### ۳-۱. بیعت

بیعت از اصلی‌ترین جلوه‌های مشارکت سیاسی در صدر اسلام است. بیعت مسلمانان با پیامبر اکرم به معنای رأی‌دادن به پیامبری ایشان نیست؛ بلکه با بیعت، پیمان می‌بستند که به آنچه پیامبر فرموده، عمل و از ایشان حمایت کنند (۹). اهمیت بیعت مسلمانان با پیامبر به حدی است که قرآن آن را بیعت با خدا می‌داند: *إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ* (فتح/ ۱۰).

اهمیت سیاسی این بیعت‌ها را می‌توان از کلام یکی از بیعت‌کنندگان در بیعت عقبه ثانیه فهمید. عباس بن عباد بنی‌فصله انصاری خطاب به بیعت‌کنندگان گفت: *«إِنَّكُمْ تُبَايِعُونَهُ عَلَى حَرْبِ الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ مِنَ النَّاسِ»* (۱۰).

بی‌شک، به دست‌گرفتن حاکمیت سیاسی جامعه و اداره صحیح آن در جهت کمال، یکی از ابعاد حرکت عظیم پیامبر اکرم (ص) بود که مسلمانان برای دستیابی به آن با حضرت، پیمان‌حمایت و پایداری بستند.

حضور زنان در بیعت با پیامبر اکرم (ص) در بیش‌تر منابع تاریخی گزارش شده است. ابن‌سعد دسترسی به آمار، اسامی و شرح حال زنان بیعت‌کننده یا رسول خدا (ص) را آسان کرده است. او شرح حال شش‌صد زن را در سه محور (زنان بیعت‌کننده قریش و هم‌پیمانانش، زنان بیعت‌کننده انصار و زنان بیعت‌کننده ناشناس) آورده است. در کتاب «المحبر» نام ۳۶۱ زن بیعت‌کننده با پیامبر (ص) آمده است. کتاب‌های دیگر از جمله «الاستیعاب»، «اسدالغابه» و «الاصابه» نیز اسامی بیعت‌کنندگان را آورده‌اند. اگرچه اختلافاتی در این اسامی وجود دارد؛ ولی به اثبات اصل حضور زنان در این عرصه سیاسی لطمه‌ای نمی‌زند.

زنان در کنار مردان در پیمان عقبه اولی و عقبه ثانیه با پیامبر (ص) پیمان بستند. این دو پیمان به فاصله یک سال از یکدیگر بین رسول خدا (ص) و مردمی از یثرب بسته شد. مطالعه شرایطی که این دو بیعت در آن صورت گرفت و فشار سهمگینی که مشرکان بر مسلمانان وارد می‌کردند، به خوبی اهمیت و جایگاه این دو پیمان را نمایان می‌سازد.

در پیمان عقبه اولی زنی به نام «عفراء بنت عبید بن ثعلبه» در کنار مردان حضور داشت. یک سال بعد شمار بیش‌تری از مردم یثرب در پیمان شرکت کردند. آنان با تلاش بیعت‌کنندگان عقبه اولی و تبلیغ مصعب بن عمیر که از سوی پیامبر اکرم (ص) مأمور آموزش قرآن و معارف الهی به مردم یثرب شده بود، مسلمان شده بودند. روح اصلی این پیمان، حمایت و یاری پیامبر تا سرحد جان و جهاد در رکاب او است. برخی در اهمیت این پیمان آن را هم‌تراز جنگ بدر می‌دانند (۱۱). در این پیمان، در کنار مردان، دو زن به نام‌های نسیبه بنت کعب ام‌عمار و اسماء بنت عمرو حضور داشتند (۱۲).

بیعت دیگری که شاهد حضور زنان بود، بیعت رضوان است. در سال ششم هجری، پیامبر اکرم (ص) برای سفر به سوی مکه و برگزاری عمره تصمیم گرفت. جمع بسیاری از مسلمانان به دستور ایشان و بدون هیچ سلاح جنگی راهی مکه شدند. در بین راه تحولات به‌گونه‌ای بود که احتمال حمله مشرکان و قتل‌عام مسلمانان تقویت شد. در این شرایط حساس که امکان تزلزل و بازگشت برخی می‌رفت، مسلمانان با رسول خدا (ص) بیعت کردند. آنان پیمان بستند که تا آخرین لحظه بر ایمان و عقیده خود پابرجا باشند. خداوند در قرآن درباره این پیمان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح/ ۱۰) تعدادی از زنان مسلمان در این پیمان الهی حضور داشتند. کسانی هم چون ام‌عمار انصاریه، نسیبه بنت کعب، ام‌هشام بنت حارثه ابن‌نعمان و ام‌منذر سلمی بنت قیس بن عمر (۱۳).

پیامبر اکرم (ص) از زنانی که به سوی مدینه هجرت می‌کردند نیز پیمان می‌گرفتند. آیه ذیل، مفاد این پیمان را به روشنی بیان می‌کند:

#### بنیاد اندیشه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ  
أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِبْنَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ  
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه/ ۱۲). پس از فتح مکه نیز زنان بعد از مردان با پیامبر بیعت کردند. طبری  
می‌گوید: «اجتمع الناس بمكة لبيعة رسول الله (ص) على الإسلام... فلما فرغ رسول الله (ص) من بيعة  
الرجال بايع النساء (۱۴).

مفاد بیعت زنان با رسول خدا (ص) به شرایط و ظروف زمانی بستگی داشت. البته عنصر مشترک آن

ایمان به اسلام و وحدانیت خداوند متعال بود. مفاد دیگر این بیعت‌ها عبارت است از: بیعت بر طاعت، بیعت بر نصیحت، بیعت بر نصرت و جهاد و بیعت بر صبر بر فرایض اسلام (۱۵).

برخی خواسته‌اند با استناد به این که پیامبر اکرم (ص) در بیعت زنان با آنان دست نمی‌داد و استناد به مفاد برخی از بیعت‌ها مثل بیعت بر معروف و نه ولایت و حاکمیت در آیه قبل، ثابت کنند که ماهیت بیعت زنان با مردان تفاوت داشته و بیعت زنان بیش‌تر امری صوری و بی‌ارزش بوده و ضمانت اجرا نداشته است. البته این ادعا پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا با توجه به بیعت مشترک زنان و مردان در عقبه ثانیه و بیعت رضوان و با توجه به این که پیامبر اصولاً بیعت‌هایی که ضمانت اجرا نداشتند، مثل بیعت با بچه یا دیوانه، را انجام نمی‌دادند، می‌توان گفت که ارزش و جایگاه بیعت زنان، هم‌پایه بیعت مردان بوده است (۱۶).

### ۲-۳. هجرت

به‌طور قطع، هجرت از مهم‌ترین شاخص‌های مشارکت سیاسی زنان در جامعه صدر اسلام است. هجرت از سویی، مهر بطلانی بر حاکمیت شرک و کفر است و از سوی دیگر، زمینه‌ساز ابلاغ پیام الهی به مردم و برقراری حکومت توحیدی است. بی‌شک، این حرکت سیاسی با مشکلات فراوان و سختی‌های طاقت‌فرسایی چون دوری از وطن، از دست دادن اموال و به خطر افتادن خانواده همراه است؛ به‌طوری که از انسان‌های سست‌ایمان صبر بر آن ساخته نیست. ارزش و جایگاه این حرکت مذهبی - سیاسی به قدری است که مایه فخر و مباهات در جامعه صدر اسلام و بعد از آن بود. خلیفه دوم به سبب فخر فروشی، خطاب به اسماء بنت عمیس که خود از مهاجران به حبشه و سپس به مدینه بود، از سبقت خود در هجرت به مدینه سخن می‌گوید. اسماء پیامبر اکرم (ص) را مطلع می‌سازد. حضرت نیز به او می‌فرماید که افتخار دو هجرت در کارنامه او ثبت است: «لِلنَّاسِ هِجْرَةٌ وَاحِدَةٌ وَ لَكُمْ هِجْرَتَانِ (۱۷).

ارزش و اهمیت هجرت بدان پایه است که قرآن یکی از شروط ازدواج زنان مسلمان با پیامبر اکرم (ص) را هجرت آنان به سرزمین اسلام قرار داده است (احزاب / ۵۰). البته هجرت در صورتی به‌طور کامل اثر می‌گذارد که شخص مهاجر خلوص کافی داشته باشد. اگر هجرت برای خدا و به دلیل دوستی رسولش بود، ارزش به حساب می‌آید و اگر انگیزه‌های دیگر در آن نقش‌آفرینی می‌کرد، هیچ‌از زنان هجرت‌کننده به مدینه از علت هجرت‌شان سؤال می‌شد و در صورت خلوص در نیت، هجرت‌شان پذیرفته می‌شد و به جامعه اسلامی راه می‌یافتند (۱۸). عمق ایمان و خلوص زنان مهاجر را می‌توان در این گزارش تاریخی دید. گفته‌اند مردان مکه برای منع از هجرت زنان به مدینه شایع کردند که زنان

بدکاره برای رسیدن به هوس‌های خود و کاسبی جنسی به مدینه می‌روند. ایجاد این فضای مسموم نتوانست عزم زنان مسلمان را به سستی بکشانند (۱۹).

شاید تصور شود زنان مسلمان به سبب تبعیت از شوهران خود مجبور به هجرت بوده‌اند. این تصور به دو دلیل باطل است: اول، این‌که وقتی هجرت زنان از سوی قرآن تمجید شده و ارزشمند به حساب می‌آید، به این نکته دلالت دارد که اختیار زنان در انتخاب این راه تأثیر داشته است. دوم، این‌که زنان متعددی بدون همراهی، بلکه به‌رغم مخالفت پدر یا شوهرشان هجرت کرده‌اند. در این باره می‌توان از سبیه بنت حارث و ام‌الحکم بنت ابی سفیان نام برد (۲۰).

زنان در هجرت‌های تاریخ صدر اسلام حضور دارند؛ از جمله هجرت به حبشه که در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول هجرت به حبشه، چهار زن به نام‌های رقیه بنت رسول‌الله (ص)، سهله بنت سهیل بن عمرو، لیلی بنت ابی حشمه و ام‌سلمه حضور داشتند و در مرحله دوم نام ۲۱ زن مانند اسماء بنت الحسین، ام‌کلثوم بنت سهیل بن عمر، امیه بنت خلف، ام‌حبیبه بنت ابی سفیان، برکه بنت یسار، فاطمه بنت صفوان بن امیه، فارعه بنت ابی سفیان، اسماء بنت سلامه و غیره (۲۱) به ثبت رسیده است. از این‌که زنان مهاجر از قبایل مختلف و سطوح متفاوت جامعه بودند (۲۲)، معلوم می‌شود گروندگان به اسلام فقط از فقرا و بی‌بضاعتان نبوده؛ بلکه زنان قشر مرفه هم با شنیدن کلام الهی و سخنان نبوی به اسلام ایمان می‌آوردند.

با افزایش آزار و اذیت مسلمانان توسط مشرکان و با فراهم‌شدن زمینه مناسب در یترب، پیامبر اکرم (ص) به مسلمانان دستور داد که به آن شهر هجرت کنند. هجرت به مدینه از نقاط عطف و سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام است. اهمیت آن به قدری است که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يِهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يِهَاجِرُوا» (انفال / ۷۲).

هجرت پیش‌شرط دوستی و الفت اسلامی قرار گرفت. ابن سعد نام زنان هجرت‌کننده به مدینه را به تفصیل آورده است (۲۳). در کتاب الاصابه نیز نام زنانی که پس از صلح حدیبیه به مدینه مهاجرت کردند و پیامبر اکرم (ص) پس از امتحان آنان، ایشان را به مشرکان باز نگرداند، آمده است؛ از جمله آنان امیمه بنت بشر، سنیه بنت حارث، ام‌الحکم بنت ابی سفیان، عبده بنت عبدالعزی و سبیه بنت حارث است (۲۴).

### ۳-۳. جنگ و جهاد

یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام، شرکت در جنگ است. در اسلام جهاد

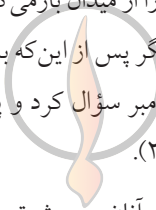


بر زنان واجب نیست. به طور قطع ویژگی‌های جسمی و روحی زنان در صدور چنین حکمی بی‌تأثیر نیست. نگاهی به تاریخ ملل دیگر نیز این مسئله را تأیید می‌کند که در جامعه بشری، نبرد در میدان جنگ به مردان واگذار و حضور زنان در آن استثنا شده است.

البته عدم وجوب جهاد بر زنان موجب بی‌تفاوتی آنان به این مسئله و ارزش‌های آن نشده است. گزارش‌های متعددی از پیگیری زنان صدر اسلام برای بهره‌مندی از فضیلت جهاد در راه خدا در منابع موجود است. روزی پیامبر اکرم (ص) از جهاد سخن می‌گفت که ام‌الحکم سکینه بنت ابی‌وقاص از جهاد زنان سؤال می‌کند (۲۴). در مجلس دیگری اسماء بنت یزید انصاریه از محرومیت زنان از جهاد سخن می‌گوید و رسول خدا (ص) آنان را به مأموریت‌های خطیرشان در خانواده و شوهرداری متوجه و آن را هم‌پایه جهاد معرفی کرد (۲۵). زنان دیگری نیز در این باره از آن حضرت سؤال کرده و جواب مشابهی شنیدند (۲۶).

صبر و مقاومت زنان در برابر مصائب جنگ که تأثیر آن در روحیه رزمندگان و کم‌شدن تبعات منفی جنگ قابل انکار نیست، جلوه‌ای از مشارکت سیاسی زنان است. ایمان قوی و فهم بالای ایشان از جایگاه جنگ و جهاد در اسلام موجب شد تا در برابر مصائبی چون شهادت یا زخمی شدن عزیزانشان مقاوم و صبور باشند. هند بنت عمرو، همسر عمرو بن جموح، از معرکه جنگ احد بازمی‌گشت که با جمعی از زنان مدینه رویه‌رو شد. آنان از اوضاع جنگ سؤال کردند. او گفت: رسول خدا (ص) سالم است و برخی از مؤمنان شهید شده‌اند. زنان از بار شتر او سؤال کردند. او در اوج صلابت و استقامت پاسخ داد که جنازه همسر و برادرش را از میدان بازمی‌گرداند (۲۷). در جنگ‌های دیگر چهار فرزندش نیز شهید شدند (۲۸). در نمونه‌ای دیگر پس از این که به سمراء بنت قیس شهادت پدر، برادر و همسرش را خبر دادند، او فقط از احوال پیامبر سؤال کرد و پس از اطمینان از صحت رسول خدا گفت: «كُلُّ مُصِيبَةٍ بَعْدَكَ جَلَلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ» (۲۹).

به‌رغم عدم وجوب جهاد بر زنان، حضور آنان در بیش‌تر جنگ‌های صدر اسلام گزارش شده است؛ از جمله در جنگ‌های احد، خیبر، بنی‌قریظه، فتح مکه و حنین؛ بنابراین، علت عدم یادکرد از زنان در برخی از جنگ‌های صدر اسلام یا ذکر کم‌رنگ حضور آنان را می‌توان در سهل‌انگاری مؤرخان جست‌وجو کرد؛ در عین حال هیچ‌بعدم بعید نیست زنان در برخی از جنگ‌ها به دلایل خاصی چون دوری مسافت، سختی راه، کمبود امکانات و... شرکت نکرده باشند. خاطر نشان می‌شود که این حضور و مشارکت سیاسی در دوران جاهلی هم - همان‌گونه که گفته شد - وجود داشت؛ لیکن تفاوت در این است که داعی و انگیزه زنان جاهلی از این حضور در تعصبات قبیله‌ای و حفظ منافع قبیله ریشه داشت؛ ولی زنان مسلمان در راه خدا به میدان جنگ می‌رفتند.



یکی از ابعاد مشارکت زنان صدر اسلام در میادین جنگ، فعالیت‌های تبلیغی بود. زنان با سرودن اشعار حماسی، روحیه رزم را در رزمندگان تقویت می‌کردند. زنان حاضر در جنگ خیبر در توضیح علت حضورشان در جنگ برای پیامبر اکرم (ص) می‌گویند: «... وَ نَغَزِلُ الشَّعْرَ فَنُعِينُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...». «سپس رسول خدا (ص) با حضور ایشان موافقت می‌کند (۳۰). در جریان جنگ احد پس از این‌که هند حضرت حمزه را به شهادت رساند و سینه او را شکافت، برای تضعیف روحیه مسلمانان اشعاری سرود و پیروزی‌شان را در احد در برابر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر قرار داد. بعد دیگر از مشارکت زنان در میادین جنگ که گزارش‌های تاریخی پرشمار بر آن دلالت می‌کند، فعالیت‌های پشتیبانی و تلاش پشت جبهه زنان است. فعالیت‌هایی چون آب‌رسانی و سیراب‌کردن، آماده‌سازی غذا، دوختن مشک‌ها، طبابت، پرستاری و رسیدگی به مجروحان، حفاظت از وسایل رزمندگان، تجهیز و آماده‌سازی اسلحه و... در جنگ احد حضرت زهرا (س) ضمن رسیدگی به زخم‌های پیامبر اکرم (ص)، فرمود: «غَضِبَ اللَّهُ عَلَيَّ مَنْ أَدْمَى وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ (۳۱). هم‌چنین، درباره حضور جمعی از زنان انصار در این جنگ، از جمله ام سلیطه، گزارش شده که به سیراب‌کردن رزمندگان و مداوای مجروحان می‌پرداختند (۳۲). او در جنگ خیبر و حنین نیز شرکت داشت (۳۳). پیامبر اکرم (ص) در جنگ خیبر از انگیزه حضور جمعی از زنان در میدان جنگ سؤال کرد. آنان پاسخ دادند: «خَرَجْنَا مَعَكَ نَنَاوِلُ السَّهَامَ وَ نَسْقِي السَّوِيْقَ وَ مَعَنَا دَوَاءٌ لِلْجَرْحَى وَ... فَنُعِينُ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

پیامبر اکرم (ص) به آنان اجازه حضور داد و در پایان جنگ از غنائم هم به آنان سهمی رسید (۳۴). ام عطیه از مأموریت خود در هفت جنگی که با پیامبر بود، چنین می‌گوید: «فَكُنْتُ اصْنَعُ لَهُمْ طَعَامَهُمْ وَ اخْلَفُهُمْ فِي رِحَالِهِمْ وَ ادَاوِي الْجَرْحَى وَ اَقُوْمُ عَلَي الْمَرْضَى» (۳۵). در جریان جنگ بنی قریظه نیز وقتی سعد بن معاذ زخمی شد، به خیمه زنی به نام رفیده منتقل شد تا تحت مداوا قرار گیرد (۳۶). باید دانست که زنان به‌طور طبیعی در مبارزه و رزم شرکت نمی‌کردند. غیر از موارد انگشت‌شمار، شاهی از حضور رزمی زنان در دست نیست. این مسئله به‌گونه‌ای است که پیامبر اکرم (ص) از حمل اسلحه توسط ام سلیم در جنگ احد تعجب می‌کند و در این باره از او سؤال می‌کند. او پاسخ می‌دهد: «أَخَذْتُهُ أَنْ دَنَا مِنِّي أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ بَعِجْتَهُ بِهِ (۳۷)». هم‌چنین، از جمله موارد استثنا می‌توان از دلاوری و فداکاری ام عماره نسبیه بنت کعب در جنگ احد یاد کرد. این زن مشغول سیراب‌کردن رزمندگان بود که مشاهده می‌کند مسلمانان، رسول خدا (ص) را رها کرده و فرار می‌کنند. می‌گوید به طرف پیامبر رفتم و به نبرد مشغول شدم و با شمشیر و نیزه و تیر، مشرکان را از پیامبر دور می‌کردم تا این‌که مجروح شدم. او ضارب خود را مجروح می‌کند و به زمین می‌افتد. پیامبر اکرم (ص) در مورد دلاوری او می‌فرمودند: «مَا التَفْتُ يَمِينًا وَ شِمَالًا إِلَّا وَ اَنَا اَرَاهَا تَقَاتِلُ دُونِي (۳۸)». جالب این‌که پیامبر اکرم

(ص) مقام او را در احد از برخی از مردان بالاتر می‌داند (۳۹). همین‌طور در جریان فرار مسلمانان در جنگ احد، صفیه بنت عبدالمطلب نیزه‌ای به سمت فراریان می‌گیرد و آنان را بر اثر فرارشان سرزنش می‌کند (۴۰). هم‌چنین، وی در جریان جنگ خندق نیز با جنگجوی یهودی که قرارگاه زنان و کودکان را تهدید می‌کرد، روبه‌رو می‌شود و او را با ضربه‌ای سهمگین می‌کشد (۴۱).

### ۳-۴. امان‌دادن

پناه‌دادن مخالفان یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت سیاسی جامعه صدر اسلام است. زنان نیز حق استفاده از این ظرفیت سیاسی را داشتند. ام‌هانی در جریان فتح مکه دو نفر از آشنایان خود از بنی‌مخزوم را پناه داد و پیامبر اکرم (ص) امان او را پذیرفت (۴۲). البته از دوران جاهلی نیز از پناه‌دادن زنان، از جمله سبیه بنت عبد شمش و حماعه بنت عوفغ بن محلم، گزارش شده است؛ لکن می‌توان گفت که در جاهلیت به دلیل ویژگی خاص زنان یا جایگاه ممتاز آنان نزد شوهران‌شان درخواست آنان رد نمی‌شد؛ ولی در اسلام این مسئله از حقوق سیاسی مسلمانان، از جمله زنان، قرار گرفت. پیامبر اکرم (ص) پس از پذیرفتن امان دخترش زینب برای ابوالعاص بن ربیع فرمود: «المؤمنون ید علی من سواهم یجیر علیهم ادناهم و قد أجرنا من أجات». وضعیت فرهنگی زن در جامعه اسلامی عصر نبوی از موضوعات مهم تاریخی است که پرداختن به آن مجال وسیع‌تری می‌طلبد. با توجه به اهمیت موضوع جایگاه فرهنگی زن در این دوره، ترجیح می‌دهیم این موضوع را در مجالی دیگر و با تفصیل بیش‌تری مطرح نماییم.

### ۴. نتیجه‌گیری

موضوع زن در اسلام هم‌چنان که از موضوعات مهم فکری و اندیشه‌ای است، از نظر تاریخی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. با نگاه به تاریخ صدر اسلام، به ویژه عصر نبوی، درمی‌یابیم که زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حضور فعال داشته‌اند. البته حضور اجتماعی زنان تابع احکام و ضوابطی بود که مصالح کلان جامعه را تأمین و از نهاد خانواده حمایت کرد. در حقیقت، اسلام با تکیه بر اصالت خانواده، با هرگونه حضور اجتماعی زنان که به نهاد خانواده آسیب بزند، مخالفت کرده است. بر اساس الگوی اسلام، زنان حضور سالم و مؤثر در جامعه خواهند داشت. شرکت زنان در بیعت‌ها و هجرت‌ها و امور نظامی جلوه‌ای از فعالیت زنان در عصر نبوی است؛ هم‌چنان که کثرت نام زنان محدث و راوی و آگاه به دانش‌های اسلامی و زنان شاعره و خطیب، بیانگر فعالیت وسیع فرهنگی زنان در این دوره است. ناگفته نماند که موضوع زن نیز مانند سایر موضوعات اجتماعی دیگر،



پس از رحلت رسول خدا (ص) و روی کار آمدن دولت‌های ناشایست اسلامی، مسیر انحراف را طی کرد و از آموزه‌های نبوی فاصله گرفت. سیر انحراف جامعه اسلامی در موضوع زن پس از رسول خدا (ص) نیاز به مجال بیشتری دارد که در این مختصر نمی‌گنجد. هرچند در کشورهای اسلامی برداشت‌های مختلف درباره حضور زنان در اجتماع و نحوه برخورد با این قشر همیشه مظلوم بوده و هست، در کشور ما، افغانستان، هم تا به حال قضاوت و دیدگاه واحد درباره زن‌ها و کار آن‌ها و نیز حق و حقوق آن‌ها متفاوت است. به یک اجماع واحد جهانی نه در دنیای غرب و نه در کشورهای اسلامی دست نیافته است.

## منابع

۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵)، جامی از زلال کوثر.
۲. سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۳۴۹)، سنن ابی‌داود، ج ۱.
۳. مودودی، ابوالاعلی، (بی تا) الحجاب.
۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیشم (۱۳۵۲)، الآغانی، ج ۱۸.
۵. زیبنازاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام.
۶. ابن اثیر جزیری، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۵۹)، اسعدالغابه فی معرفة الصحابه، ج ۶.
۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، جامی از زلال کوثر.
۸. سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۳۵۲)، سنن ابی‌داود، ج ۴، ص ۹۱.
۹. زن و جامعه در نگرش شهید مطهری، پیام زن، سال اول، شماره ۳، ص ۱۲.
۱۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۰۲)، تاریخ الرسول و الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۶۱.
۱۱. جوزی، ابن قیم (۱۳۴۹)، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، ج ۲، ص ۵۱.
۱۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۱)، تاریخ الرسول و الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۶۲.
۱۳. بن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۳۵۵)، الاسابعاب، ج ۴، ص ۴۱۷.
۱۴. اصبهانی، ابونعیم (۱۳۴۴)، معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۸۳، **پیشه**
۱۵. اسما محمد احمد زیاده (۱۳۷۷)، دور المرآة السیاسی، ص ۱۷۱.
۱۶. ابن سعد، محمد (۱۳۷۹)، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۸۱.
۱۷. اسما محمد احمد زیاده (بی تا)، دور المرآة السیاسی، ص ۱۲۰.
۱۸. تقی‌الدین احمد بن عبد الحلیم (۱۳۵۷)، اصارم المسول علی شاتم الرسول، ص ۵۵.
۱۹. احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۱۳۵۹)، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۷۱.
۲۰. همان، ج ۸، ص ۴۶۲.
۲۱. اسما محمد احمد زیاده (۱۳۷۷)، دور المرآة السیاسی، ص ۱۴۰.
۲۲. محمد بن سعد (۱۳۶۸)، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷۶.

۲۳. احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۱۳۴۴)، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۸۰.
۲۴. احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۱۳۴۴)، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶، ص ۱۹.
۲۵. همان، ج ۸، ص ۲۱ و ۴۸۹.
۲۶. اسماعیل بن عمر بن کثیر (۱۳۶۹)، البدايه و النهايه، ج ۴، ص ۴۲.
۲۷. ابن قیم جوزی (۱۳۷۷)، زاد المعاد، ج ۳، ص ۲۰۸.
۲۸. محمد بن جریر طبری (۱۳۷۴)، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۵۳۳.
۲۹. علی بن ابی الکریم ابن الاثیر الجزری (۱۳۵۹)، اسد الغابه، ج ۶، ص ۴۲۰.
۳۰. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۲۰، ص ۹۶.
۳۱. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، همان، ج ۸، ص ۴۰۸.
۳۲. محمد سعید مبیض (بی تا)، موسعه حیاة الصحابیات، ص ۱۳۴.
۳۳. علی بن ابی الکریم ابن الاثیر الجزری (۱۳۵۹)، اسد الغابه، ج ۷، ص ۳۲۳.
۳۴. محمد بن سعد (۱۳۶۶)، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۵۵.
۳۵. ابن ابی الکریم ابن الاثیر الجزری (۱۳۵۹)، اسد الغابه، ج ۷، ص ۳۲۰.
۳۶. محمد بن جریر طبری (۱۳۷۴)، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۷۷.
۳۷. محمد بن عمرو بن واقدی (۱۳۵۱)، المغازی، ج ۱، ص ۲۷۳.
۳۸. همان، ص ۴۱.
۳۹. همان، ج ۸، ص ۴۱.
۴۰. عبد الملک بن هشام (۱۳۶۶)، السیره النبویه، ج ۴، ص ۵۴.
۴۱. ابوالفرج علی بن الحسین بن هشام الاصفهانی (۱۳۵۲)، الاغانی، ج ۲۲، ص ۷۵ و ۷۹.

